

سبحان الله

زبان‌آر اربعین

شامل:

بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین

عزیز حسین

مغناطیس پُر جاذبه‌ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود
جذب کرد؛ رفتن جابر بن عبد الله و عطیه به زیارت امام حسین در روز
اربعین، سر آغاز حرکت پُر برکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و
پی‌درپی این حرکت پُر شکوه‌تر، پُر جاذبه‌تر و پُر شورتر شده است و نام و
یاد عاشورا را روز به روز در دنیا زنده‌تر کرده است.

رسم‌نویس
حضرت آیت الله خامنه‌ای

۱۳۸۵/۰۱/۰۱

قال النبی حسین مظهر حسن بن

تهیه و تنظیم : کانون نخبگان تبلیغ /
مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی
/ کمیته ی فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین
به کوشش : طه قدوسی
طرح جلد و صفحه آرایی : محسن بهرامی
ویراستار : سید علی حسینی، ابوالفضل حاج عبدالصمد
مترجم : سید مقدم حیدری



فهرست مطالب :

مقدمه

احوال پرسی

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

پزشکی و دارویی

انتقال معارف انقلابی

اسکان

در مرز

جملات محبت آمیز و تعارفی

ضرب المثل های عربی

اعداد و ایام هفته

مقدمه

زیارت اربعین حسینی که در روایت نورانی امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه های مومن قلمداد شده است، چند سالیست که به فضل الهی در بین عموم شیعیان و محبین حضرت سیدالشهداء علیه السلام فراگیر و با آیین با شکوه پیاده روی از مکان های مختلف به سمت کربلای معلا همراه شده است.

هر ساله شاهد جمعیت میلیونی زوار حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستیم که توسط ملت با کرامت عراق مورد پذیرایی و استقبال قرار می گیرند و حجم بالای جمعیت و مهمان نوازی مخلصانه و کریمانه ملت عراق که به صورت مردمی و بدون کوچکترین حادثه در نهایت هماهنگی صورت می پذیرد، انگشت حیرت هر بیننده ای را به دندان می گیرد.

فرصت پیاده روی اربعین و حضور جمعیت میلیونی عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در موکب های حسینی فرصت مناسبی است که در صورت استفاده مناسب زمینه ارتباط حداکثری امت اسلامی و تقویت و استحکام روابط را محقق می کند.

بر سر راه این مهم قفل بزرگ اختلاف زبانی وجود دارد که مانع ارتباط بیشتر و صمیمانه تر ملت ها و ملت عراق می گردد.

بارها شاهد آن بوده ایم که جماعتی از مردم ایران در خانه ای و یا موکبی مورد پذیرایی قرار گرفته اند، ولی توان تشکر و قدردانی از زحمات میزبان و ارتباط برقرار کردن با او را که منجر به رفاقت و صمیمیت دائمی بین آنها باشد را نداشته اند تا شاید روزی میزبان آنها در یکی از شهرهای ایران اسلامی باشند.

مجموعه ای که پیش روی شماست شامل بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین حسینی است که توسط دانش آموزان مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی برای زائر اربعین جمع آوری و ترجمه گردیده است.

امتیاز ویژه آن این است که عبارات مورد نیاز از زبان فارسی هم به زبان عربی فصیح و هم لهجه محلی عراقی ترجمه گردیده است.

ویژگی دیگر این کتاب بخش جملات تعارفی و محبت آمیز است.

مردمان عراق، مردمانی خونگرم و تشنه محبت هستند و در قبال این نوع جملات واکنش های بسیار خوب و مهربانانه ای از خود نشان می دهند.

پیشنهاد های مشفقانه شما عزیزان در جهت هر چه بهتر شدن این جزوه برای سال های آینده را پذیرا هستیم.

با تشکر از همه اساتید، که مشوق انجام این کار بودند.

احوال پر سی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
سلام صبح به خیر / شب به خیر	السلام علیکم وصبحکم الله بالخیر / مساکم الله بالخیر	
حالت چه طور است؟	کیف الحال؟	شَلُون الصَّحَّة؟
خوب هستی ان شاءالله؟	بخیر إن شاء الله؟	إن شاء الله زین؟
ممنون خوبم	شکرا بخیر	شکرا زین
الحمدالله که سلامت هستی	الحمد لله على سلامتک	
هوا خیلی گرم / سرد است	الجو حار / بارد جداً	الجو هوايه حار / بارد
خسته شدی؟	هل تعبت؟	تَعَبْتَ؟
بله خیلی / نه اصلاً	نعم تعبت كثيراً / لا أبداً	إی تعبت هوايه / لا أبداً
اسمت چیه؟ (اسم کریمت چیه؟)	ما اسمک؟ ما اسمک الکریم؟	شِسْمَک؟ شِنو اسمکم الکریم؟
از کجا آمده ای؟	من أين أتیت؟	من وین جای؟
اهل کجا هستی؟	من أي بلد أنت؟	إنت من وین؟ من یا بلد؟ من یا مدینه؟
من ایرانی هستم	أنا إيراني	آنی ایرانی
من اهل شهر قم / تهران ... هستم	أنا من مدينة قم / طهران ...	آنی من مدینه قم / طهران ...
به چه شهرهایی می خواهی بروی؟	إلى أي مدن تريد أن تذهب؟	لیا مدُن تُرید تُروح؟
من به کربلا میروم (نجف)	أنا ذاهب إلى كربلاء / النجف.	آنی رایح لکربله / للنجف
چند روز است که در راه هستی؟	کم يوم وأنت فی الطريق؟	صار لک کم (چم) يوم بالطریق؟
(چند روزه که این جایی)	کم يوم وأنت هنا؟	صار لک کم يوم هنا (إهنا)
چند سالت است؟	کم عمرک؟	شَغْد عُمَرک؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ببخشید من عربی ام زیاد خوب نیست	عفوا أنا لا أجيد العربية	عفوا عربیتی مو زینه / مو جیده
می تونی انگلیسی صحبت کنی؟	هل تستطيع أن تتكلم بالانجليزية؟	تگدر تحپی انگلیزی؟
شما چه کاره هستید؟	ما هو شغلک؟	شنو شغلک؟
دانش آموز / دانشجو / طلبه / کاسب / کارمند / معلم / بازنشسته	طالب / طالب جامعی / طالب فی الحوزة / تاجر / موظف / معلّم / متقاعد	
اوضاع عراق چطور است؟	كيف الأوضاع في العراق؟	شلونها أوضاع العراق؟ شنو أوضاع العراق؟
چه خبر از داعش خبیث؟	ما هي أخبار داعش الخبيثة؟	شاخبار (شخبار) داعش؟
چه استان هایی الان دست داعش هست؟	ما هي المحافظات التي سقطت بيد داعش؟	هسّه یا محافظات بيد داعش؟
سامرا الان امنیت دارد؟	هل سامراء آمنة؟	سامره آمنه الآن؟
چطور می تونم برم سامرا؟	كيف أستطيع الذهاب إلى سامراء؟	شلون اگدر أروح لسامره؟
تو کربلا / نجف اسکان سراغ دارید؟	هل تعرف عن سكن في كربلاء / النجف؟	تُعرف سَكنَ كربلاء (بکربله) / بالنجف؟
هزینه ات چقدر شده است؟	كم بلغ مصرفك؟	شگد صار مصرفک؟
آیا ازدواج کردی؟	هل أنت متزوج؟	متزوج؟ / إنت متزوج؟
نه مجردم / بله متاهلم	لا أنا أعزب / نعم متزوج	لا ممتزوج / ای متزوج.
چند تا بچه داری؟	كم لديك من أطفال؟	شگد عندک...؟
دختر یا پسر؟	ذكور أم إناث؟	وِلد لو بنات؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
ما اسم أطفالک؟	شایسمهم (شایسمهم) أطفالک؟	اسم بچه هات چی هست؟
کم عمرهم؟	شگد عمرهم؟	چند سالشون هست؟
هل يذهبون إلى المدرسة؟ فی أى سنة دراسية يدرسون؟	یرحون للمدرسة؟ بیا سنة یدرسون؟	مدرسه میروند؟ کلاس چندم اند؟
ابتدائية / متوسطة / ثانوية		ابتدایی / راهنمایی / دبیرستان
هذا رقم هاتفی	هذا (هاذه) رقم موبایلی	این شماره تلفن من است
هذا عنوانی فی مدينة قم	هذا عنوانی بقم	این آدرس من در شهر (قم) است
إذا زرت إيران فتفضل فی بیتنا أكیدا	إذا جیت لإیران أكید عود تعال لبیتنا	اگر ایران اومدی حتما بیا منزل ما
هذه بطاقةتی ورقم هاتفی	هاذی بطاقتی ورقم الاتصال بیّه	این کارت و شماره تماس من است
أین عنوانک؟	وین عنوانک؟	آدرست کجاست؟
هل یمکن أن تعطینی رقم هاتفک؟	ممکن آخذ رقم موبایلک؟	ممکنه شماره تلفنتون رو داشته باشم؟
من هو؟	هذا (هاذه) منو؟	او کیست؟
مع من مشیت الطريق؟	و یا من جیت مشایه.	باکی اومدی پیاده روی؟
وحدک (وحدی) / مع الأسرة (مع العائلة) / مع الأصدقاء (الإخوة) / مع حملة زیارة	... ویا الأسرة / ویا...	تنهایی / باخانواده / با دوستان / با یک کاروان زیارتی
ما هذا؟	هذا شنو؟	این چیه؟
تفضل ماء / شای / قهوه	مای / چای / گهوه	بفرمایین (آب / چایی / قهوه)
هل أدلک جسمک؟ هل تحتاج إلى تدلیک؟	ترید أدلکک / ترید أمر خلک؟ / تحتاج تدلیک / تمریخ / مساج؟	ماساژ نیاز داری؟ ماساژت بدهم؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
تفضل هذه النقود، فقد نذرتها للإمام الحسين(ع)	تفضل، ناذر هاذي الفلوس للحسين(ع)	بفرمایین این پول را برای امام حسین نذر کردم
هل تحتاجون إلى خدمة؟	تحتاجون خدمة؟	آیا کمک احتیاج دارید؟
هل الموكب جاهز بمرافق الصحة والحمام؟	الموكب بی مرافق (توالیئات) و حمام؟	موكب سرویس بهداشتی و حمام دارد؟
تكرم / تكرموا *		بفرمایین (برای احترام در سرویس بهداشتی)
تقبل الله أعمالكم	الله يتقبل منكم	خدا از شما قبول کند

* تفضل برای غذا خوردن و وارد شدن به اتاق و خانه است، برای دستشویی فقط از این فعل استفاده کنید.

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

(تلفن - سیم کارت - کارت شارژ - اینترنت - صرافی)

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
کجا می تونم سیم کارت عراقی بخرم؟	أین تباع شرائح للجوّال؟ *	وین یبیعون شرائح؟
سیمکارت عراقی می خواهم	أرید شریحه؟	
میشه برام فعالش کنی؟	هل یمکن أن تفعلها لی؟	ممکن تُفعل لیّاها؟
چقدر شارژ داره؟	کم مبلغ رصیده‌ها؟	شگد بیهه رصید؟
اینترنتش رو چطور فعال کنم؟	کیف أستطیع أن أفعل الانترنت فیها؟	شلون أفعل الانترنت مال الخط؟
کارت شارژ می خواهم	أرید رصیدا.	أرید رصید.
می شود این شارژ را برای من وارد کنید؟	هل یمکن أن تدخل لی رقم الرصید؟	تَکدّر تُدخّل لی الرّصید من فضّلك؟
قیمت آن چه قدر است؟	کم سعره؟	شگد سِعره؟
کجا می تونم موبایلم رو شارژ کنم (پریز برق کجاست؟)	أین أستطیع أن أشحن جوالی؟ أین نقطه الکهرباء؟	وین أکدر أشحن موبایلی؟ وین نقطه الکهرباء؟
شارژر می خواستم	أرید شاحنه.	
آیا این جا اینترنت دارد؟ (من اینترنت نیاز دارم)	هل یوجد هنا خط الإنترنت؟ أنا بحاجة إلى إنترنت	أکو هنا خط أنترنت؟ آنی محتاج أنترنت
کجامیتونم wifi پیدا کنم؟	أین توجد شبکة wifi	وین تحصل شبکة وای فای؟
میتونم باگوشیتون یه تماس بگیرم؟	هل یمکن أن اتّصل بجهازک؟	أکدر أتصل بجهازک؟

* قید عراقی در کشور عراق نیاز نیست، چنان چه شما در ایران هیچ گاه نمی گوئید سیم کارت ایرانی می خواهم.

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من دوستم رو گم کردم شارژم هم تموم شده	أنا قد ضيّعت صديقي وقد انتهی رصیدی	آنی مضیّع صدیقی و موبایلی خلصان شحنه / خلصان رصیده
تاکسی های نجف / کربلا کجا می ایستند؟	أین تقف سیّارات کربلاء / النجف؟	وین توگف تکاسی النجف / کربلاء؟
تاکسی می خواستم برای نجف / کربلا / ...	أريد سيارةً تكسي إلى النجف / کربلاء	
کرایه تا کربلا / نجف / ... چه قدر است؟	بکم الأجرة إلى کربلاء / النجف؟	شگد الکروه للنجف / لکربلاء؟
وسیله هایم زیاد است	متاعی کثیر	غراضی هوایه
باید بزارم صندوق عقب	لابدّ أن أضعها فی الصندوق الخلفی.	لازم أخلیها بالصندوق الورّه.
گران است / تخفیف بده	غال / خفّض	غالی / خفّض
من را سوار کن / او را سوار کن	رگّبنی / رگّبه	
میشه این سی دی / فلش رو بزارید؟	هل يمكن أن تدخل هذا السی دی / الفلش؟	تگدر تحط هذا السی دی / الفلش؟ / تگدر تدگ...
صداش رو زیاد کنید / کم کنید	صعّد صوته / أخفض صوته	علّی صوته
خیلی زیباست چه کسی این صوت را خوانده؟	جميل جدًا. من هو الرادود (مداح) / المُقرئ (قاری قرآن)	هوایه حلّو. منو الی دَیقرّه
کرایه من چقدر می شود؟	بکم صارت أجرتی؟	شگد صارت گروتی؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أنا نازل هنا	آنی هُنا نازل / یَمَّک نازل	من این جا پیاده می شوم
ما اسم هذا الشارع؟	شسمه هذا الشارع؟	اسم این خیابان چیست؟
الشارع من أي اتجاه؟	شارع... من یا صوب؟	خیابان..... از کدام طرف است؟
الحضرة من أي اتجاه؟	الحضرة من یا صوب؟	حرم از کدام طرف است؟
كم يستغرق التمشي إلى الحضرة من وقت؟	المشي إلى الحضرة شگد یاخذ وَقْت؟	پیاده تا حرم چقدر طول می کشد؟
أين توجد / يوجد مرافق / مطعم، سوبر ماركت، مستشفى، مصلى، موكب، فندق	وين أكو مرافق / مطعم، سوبر ماركت، مستشفى، مصلى، موكب، فندق	دست شویی کجاست (رستوران، سوپر مارکت، بیمارستان، نمازخانه، موب، هتل)

پزشکی و دارویی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
(داروخانه، مطب دکتر، بیمارستان) کجاست؟	أين توجد صيدليّة، عيادة، مستشفى؟	وين أكو صيدليّة، عيادة، مستشفى؟
آیا اینجا دکتر هست؟	هل يوجد طبيب هنا؟	يُخَصِّل / أكو طبيب هنا؟
پایم تاول زده است	ظہرت بثور فی رجلی.	رِجلی مَفَرِگِسَہ / رجلی مَبْطُبطَہ
فکر کنم مسموم شدم	أظن أني قد تسمّمت.	أَتَصَوَّرُ مِتَسَمِّم؟
من سرم / گلویم / شکمم درد می کند	أشعر بوجع فی رأسی / بلاعیمی / بطنی	راسی / بلاعیمی / بطنی یوجعنی / توجعنی
او / من بیماری قلبی دارم	أنا عندي مرض القلب / هو عنده مرض القلب	آنی عندی مرض قلب / عنده مرض قلب
اسهال دارم	عندی إسهال	
سرما خوردم / مریض شدم	أُصِبت بالزكام / تمرّضت	آنی منشول / آنی انشَلِت / تَمَرَّضِت
حالم خیلی بد است	صحتی سيئہ جدًا	صحتی مِتَدَهْوَرَہ کُلّش
سرگیجه دارم	عندی دوّار	عندی دوخه
آمبولانس می خواهم	أريد سيّارة الإسعاف.	أريد سيّارة إسعاف.
سرم / آمپول / قرص	مغذی / إبرة / حبوب	
دکتر کجاست؟	أين الطبيب؟	وين الطبيب؟
قرص سرماخوردگی / سردرد / مسکن دارید؟	هل لديكم حبوب للزكام / وجع الرأس / مسكّن	عدکم حبوب للنشلة / لوجع الراس / مسكّن
من کمرم درد می کند	ظہری يؤلمنی.	ظہری یوجَعنی
من دیسک کمر دارم	عندی دیسک الظهر	

انتقال معارف انقلابي

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
يجب أن نحارب أمريكا وإسرائيل اليوم / لازم نُحاربُ أمريکه وإسرائيل اليوم		امروز باید با آمریکا و صهیونیست مبارزه کنیم
الجهاد نعمة يمنحها الله لعباده اللاتقين	الجهاد نعمة، الله ينطیها للی يستاهل	جهاد نعمتی است که خداوند به بندگان لایق خودش عطا می کند
الشهيد سعيد والشهادة سعادة		شهید خوشبخت است و شهادت سعادت
داعش إنتاج مشترك لأمريكا والوهابية		داعش محصول مشترک آمریکا و وهابیت است
الوهابية وليدة الإسلام الأمريكي والإنجليزى		وهابیت ثمره ی اسلام آمریکایی و انگلیسی است
الشيعة الذى يبلغ دينه من لندن ويستلم دعما من انكلترا فليس بشيعة	الشيعة الی یبلغُ دینَه من لندن وِیستَلِمُ دَعِم من انگلتره فهذا مو شیعی	شیعه ای که از لندن تبلیغ دین کند و از انگلیس کمک بگیرد شیعه نیست
ما رأيك حول التطبير؟	شنو رأیک بالتطبير؟	نظر شما در مورد قمه زنی چیست؟
سماحة السيد القائد آية الله الخامنئى قد حرم التطبير	سماحة السيد القائد مُحَرَّم التطبير	قمه زنی را حضرت آیت الله خامنه ای حرام کردند
التطبير اليوم بضرر التشيع فى العالم	هِسَّه التَّطْبِير بَضَرَرِ التَّشِيع	هم اکنون قمه زنی به ضرر شیعه در دنیا است
هل من لا يحارب انكلترا وأمريكا شيعة حقاً؟	الی مِیحاربُ انگلتره و آمریکه شیعی صُدُگ؟	آیا کسی که با انگلیس و آمریکا مبارزه نمی کند شیعه است؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
آمریکا، اسرائیل، داعش، وهابیت همگی مخالف جریان حزب الله هستند	أمریکا وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء لحركة حزب الله	أمریکه وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء حزب الله
داعشی ها سنی نیستند یک گروه تروریستی هستند	الدواعش ليسوا بسنة وإنما هم جماعة إرهابية	الدواعش مو سنة، هذوله جماعة إرهابية
شیعه و سنی باید با داعش خبیث وارد جنگ شوند	لابد للشيعة والسنة أن يحاربا الدواعش الخبثاء	لازم الشيعة والسنة يحاربون الدواعش الملاحين
شیعه و سنی باید با یکدیگر متحد باشند	يجب على الشيعة والسنة أن يتحدّا معا	لازم الشيعة والسنة يتحدون
ایران از اول انقلاب در خط مقاومت هست	ما زالت إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن في خط المقاومة	إيران من بداية الثورة ولحد الآن بخط المقاومة
این عزت کشور ایران بخاطر ولایت فقیه است	إن عزّة إيران بسبب ولاية الفقيه	عزة إيران هاذی بسبب ولاية الفقيه
جوانان عراقی باید از مکتب شیعه دفاع کنند	يجب على الشباب العراقي أن يدافعوا عن التشيع	لازم الشباب العراقيين يدافعون عن التشيع
ایرانیها در کنار مقاومت مردم عراق تا پیروزی کامل هستند	يقف الإيرانيون مع الشعب العراقي في جبهة المقاومة حتى الانتصار النهائي إن شاء الله	الإيرانيين واگفین وره الشعب العراقي بجبهة المقاومة حتى النصر النهائي إن شاء الله

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل	إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل	ان شاء الله که هرچه زودتر ملت عراق پیروز شود
يجب على الشعب العراقي أن يتحرك حول محور مرجعية آية الله السيستاني دام ظله	لازم الشعب العراقي يتحرك حول محور مرجعية السيد السيستاني الله يحفظه	مردم عراق باید حول محور مرجعیت آیه الله سیستانی حرکت کنند
أسأل الله أن يحفظ المجاهدين جميعا	الله يحفظ كل المجاهدين	خدا همه مجاهدين را حفظ کند
هل قد ذهبت إلى الجبهة لحد الآن؟	رايح لجبهة ليهسه؟	تاحالا تو جبهه شرکت کردین؟
في أي مناطق؟	بیا مناطق؟	در کدام مناطق؟
هنيئا لك / لكم	نیا لك / نیا لكم	خوش به حال شما
عن أمير المؤمنين (ع): إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَنْ أَحْبَبَهُ وَأَوْلِيَّاهُ.		جهاد در راه خدا دری است از درهای بهشت که خدا به روی بندگان خاص خودش باز می کند
الجنرال قاسم سليمان له شعبية كبيرة في بلدنا	قاسم سليمان إله شعبية كبيرة ببلدنه	سردار سلیمانی در کشور ما خیلی محبوب است
تدافع إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن عن الشعوب المظلومة في العالم	إيران من بداية الثورة اذافع عن مظلومي العالم	ایران از اول انقلاب همه ی مردمان مظلوم دنیا را حمایت می کند
رحمة الله على الإمام الخميني / الله يرحم الإمام الخميني		خداوند امام خمینی را رحمت کند

اسكان

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
هل تعرف أين أستطيع أن أجد فندقا رخيصة؟	تَدْرِی وین اَکْدَر اَلْکِی فُنْدُق رِخِیص؟	می دونی هتل ارزان کجایم تو نم پیدا کنم؟
هل لديکم غرف فارغة؟	عندک / عِدْکُم غرفه فارغه؟	آیا اتاق خالی دارید؟
ما هی إمکاناتها / تجهیزاتها	شنو إمکاناتهه / تجهیزاتهه	چه امکاناتی دارد؟
أین أستطيع أن أجد فندقا بغرف فارغة؟	وین اَکْدَر اَلْکِی فندق بی عُرف فارغه؟	کجایم تو نم هتل با اتاق خالی پیدا کنم؟
متی تتوفّر لک غرف فارغة؟	شَوَکِتْ تُصیرْ عِنْدَکْ غرف فارغه؟	کی اتاق خالی دارید؟
متی تحضر الغرفة؟ متى تكون الغرفة جاهزة؟	شَوَکِتْ تَحْضَرِ الْغَرْفَه؟	اتاق کی آماده می شود؟
بکم أجرتها لیلِیا؟	شَکْدَ أَجْرَتَهه بَکُلْ لَیْلَه؟	کرایه ی آن شبی چقدر است؟
جیدة. أريد الغرفة	زینہ. أريد الغرفة	خوب است. اتاق را می خواهم
لا، سعرها غالٍ	لا، سعرهه غالی	نه، قیمت آن زیاد است
ألا توجد لديکم غرف أرخص؟ / ألا تخفّض؟	ما عدکم غرف أرخص؟ / مَتَخَفّض؟	ارزان تر ندارید؟ / تخفیف نمی دهید؟
هل لديکم مَصْعَد؟	مَصْعَدْ هَمْ عِدْکُم.	آسانسور هم دارید؟

در مرز

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
تفضل هذا جوازی.		بفرمایید، این گذر نامه ی من است
جئت لزيارة الأربعين.	جیت لزیارة الأربعین.	برای اربعین آمده ام
متی تسمحون لنا بالدخول؟	شوکت تَخْلُونَا نِدْخُلْ؟	کی اجازه ی ورود می دهید؟

جملات محبت آمیز و تعارفی

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أَنْتُمْ الْعِرَاقِيِّينَ فِي قِمَّةِ الْعِزِّ وَالْكَرَامَةِ	إِنْتَوِ الْعِرَاقِيِّينَ بِقِمَّةِ الْعِزِّ وَالْكَرَامَةِ	شما عراقی ها درقله های عزت هستید
أَنْتُمْ شَعْبٌ شَجَاعٌ وَبَطْلٌ	إِنْتَوِ شَعْبٌ شَجَاعٌ وَبَطْلٌ	شما مردمی شجاع و دلیر هستید
	أَنْتُمْ فِي قِمَّةِ الْكَرَامَةِ. / إِنْتَوِ بِقِمَّةِ الْكَرَامَةِ	شما درقله های کرامت هستید
كِرْمَكُم لَيْسَ لَهُ نَظِيرٌ فِي الْعَالَمِ	كِرْمَكُم مَا إِلَهَ نَظِيرٌ بِالْعَالَمِ	کرامت شما در دنیا بی نظیر است
اللَّهُ يَرْحَمُ وَالِدِيكَ		خدا پدر و مادرت رو بیامرزه
أَنْتُمْ فَخْرٌ لَنَا / أَنْتُمْ مَفْخَرَةٌ لَنَا	إِنْتَوِ فَخْرٌ إِلَنَهْ / إِنْتَوِ مَفْخَرَةٌ إِلَنَهْ	شما افتخار ما هستید
مَأْجُورٌ / مَأْجُورِينَ		خدا اجرت بده
اللَّهُ يَسَاعِدُكَ / حَيَاكَ اللَّهُ / هَنِيئًا		خسته نباشی / زنده باشی / نوش جونت
صَارَتْ زَحْمَةٌ عَلَيْكُمْ، شُكْرًا جَزِيلًا		خیلی زحمت کشیدید ممنون
أَنْتُمْ إِخْوَتُنَا	إِنْتَوِ إِخْوَتُنَهْ	شما برادران ما هستید
نَحْنُ الْإِيرَانِيِّينَ نَحْبُكُم كَثِيرًا	إِحْنَه الْإِيرَانِيِّينَ هَوَايَه نَحْبُكُم	ما ایرانی ها خیلی شما رو دوست داریم
عَاشَ الْعِرَاقُ وَعَاشَ شَعْبُهُ الْغَيُورُ	عَاشَ الْعِرَاقُ وَعَاشَ شَعْبُهُ الْغَيُورُ	زنده باد عراق و ملت غیور عراق
تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكُمْ / تَقَبَّلَ اللَّهُ أَعْمَالَكُمْ		خدا از شما قبول کند
تَقَدَّمْ / تَقَدَّمُوا		بفرمایین اول شما
أَجْرُكُمْ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع)		اجرتان با امام حسین (ع)
كَانَ لَذِيذًا جَدًّا، عَاشَتْ يَدَاكَ	كُلُّش طَيِّبٌ چَان عَاشَتْ إِيْدَكَ	خوشمزه بود دست شما درد نکنه

ضرب المثل های عربی

عاقبت جوینده یا بنده بود	مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ وَجَدَ
هر که با حق در افتد ور افتد	مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعه
یک دست صدا ندارد	الْيَدُ الْوَاحِدَةُ لَا تُصَفِّقُ
گل بی خار خداست	مَنْ طَلَبَ أَخاً بَلَا عَيْبَ بَقِي بَلَا أَخ
چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی	مَنْ حَفَرَ بئراً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا
گنج خواهی در طلب رنجی ببر	مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي
هر سخنی جایی و هر نکته مکانی دارد	لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ
حرف حرف میاره	الْكَلَامُ يَجَرُّ الْكَلَامَ
هیچ کس نمی گوید ماست من ترش است	لَا يَمْدَحُ الْعُرُوسَ إِلَّا أَهْلُهَا
دست بالای دست بسیار است	لِكُلِّ فِرْعَوْنَ مُوسَى
زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است	كَلِمَةُ اللِّسَانِ أُنْكِي مِنْ كَلِمَةِ السِّنَانِ
کار امروز را به فردا میفکن	لَا تُؤَخِّرْ عَمَلَ الْيَوْمِ إِلَى غَدٍ
نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار	لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ
آدم خردمند دوبار از یک سوراخ نیش نمی خورد	لَا يُلْدَغُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی	عِنْدَ الشَّدَائِدِ تَعْرِفُ الْإِخْوَانُ
کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز	الطَّيُورُ عَلَى أَشْكَالِهَا تَقَعُ
گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی	الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ

أظهر من الشمس	آشکارتر از خورشید است
خير الناس من ينفع الناس	بهترین مردم کسی است که به مردم نفعی برساند
بيضة اليوم خير من دجاجة الغد	سیلی نقد به از حلوای نسیه
السكوت أخو الرضا	سکوت علامت رضاست
حبه حبه تصبح قبه	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود
خير الأمور أوسطها	اندازه نگهدار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست
خير البر عاجله	در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
خير الكلام ما قلّ و دلّ	کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ تا ز اندک تو جهان شود پر
خالف تُعرف	مخالفت کن تا مشهور شوی
لم يفت من لم يمت	ماهی را هر موقع از آب بگیری تازه است
الفائت لا يستدرک	آب رفته به جوی نیاید
كالقايض على الماء	آب در هاون کوفتن - باد در قفس کردن
من القلب الى القلب	دل به دل راه دار
من كثره ملاحيتها غرقت السفينه	آشپز که دو تا شد آش یا شور می شود یا بی نمک
كل كلب ببابه نباح	هر سگ به درخانه خویش است دلیر
المرء بخيله	بگو با که ای، تا بگویم که ای - تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که کیستی؟
من يمش يرض بما ركب	کاچی به از هیچی

الغمرات ثمَّ يَنْجَلِينَ	پایان شب سیه سفید است
أَعْطِ الْقَوْسَ بَارِيهَا	کار را باید به کاردان سپرد
لَا تَطْرَحِ الدَّرَّ أَمَامَ الْكَلْبِ	قدر زر زرگر شناسد
مَا لَا يُدْرِكُ كُلَّهُ لَا يُتْرَكُ كُلُّهُ	آب دریا را اگر نتوان کشید - هم به قدر تشنگی باید چشید
الْمَاضِي لَا يُذَكَّرُ	گذشته ها گذشته
يَأْكُلْنِي سَبْعٌ وَلَا يَأْكُلْنِي كَلْبٌ	همه را برق می گیرد ما را چراغ نفتی
لَوَاتَجَرَّتْ بِالْأُكْفَانِ مَا مَاتَ أَحَدٌ	اگر لب دریا بروی خشک می شود
تَرَكَ الْجَوَابَ عَلَى الْجَاهِلِ جَوَابٌ	جواب ابلهان خاموشی است
مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعه	هر که با حق درافتد ور افتد
يَا طَبِيبُ طِبِّ نَفْسِكَ	تو که لالایی بلدی چرا خوابت نمی برد؟!
الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِمِهَا	کار را که کرد ؟ آن که تمام کرد
غَدَاؤُهُ مَرْهُونٌ بَعَثَائِهِ	هشتش گروی نه است
الشَّيْبُ كُلُّهُ عَيْبٌ. يَا شَايِبٌ وَ عَايِبٌ .	پیری و هزار عیب
أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي.	نمک خوردی و نمکدان شکستی
الْعُنُقُودُ الْعَالِي حُصْرُمٌ.	دستش به انگور نمی رسد می گوید : ترش است
مَا كُلُّ بَيْضَاءَ شَحْمَةٍ	هر گردی ، گردو نیست
لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ.	شنیدن کی بود مانند دیدن

اعداد و ایام هفته

اعداد شمارشی	
صفر	صِفِر
یک	وَاحِد
دو	إِثْنَان
سه	ثَلَاثَة
چهار	أَرْبَعَة
پنج	خَمْسَة
شش	سِتَّة
هفت	سَبْعَة
هشت	ثَمَانِيَة
نه	تِسْعَة
ده	عَشْرَة

اعداد ترتیبی	
اول	(مذكر) أوَّل / أولى (مونث)
دوم	الثَّانِي / الثَّانِيَة
سوم	الثَّالِث / الثَّالِثَة
چهارم	الرَّابِع / الرَّابِعَة
پنجم	الخَامِس / الخَامِسَة
ششم	السَّادِس / السَّادِسَة
هفتم	السَّابِع / السَّابِعَة
هشتم	الثَّامِن / الثَّامِنَة
نهم	التَّاسِع / التَّاسِعَة
دهم	العَاشِر / العَاشِرَة

اعداد شمارشی	
سی	ثلاثون
چهل	أربعون
پنجاه	خمسون
شست	ستون
هفتاد	سبعون
هشتاد	ثمانون
نود	تسعون
صد	مئة

اعداد شمارشی	
یازده	أحدَ عشر / إحدى عشرة
دوازده	إثنی عشر / اثنتا عشرة
سیزده	ثلاثة عشرة
چهارده	أربعة عشرة
پانزده	خمسة عشرة
شانزده	سته عشرة
هفده	سبعة عشرة
هجده	ثمانية عشرة
نوزده	تسعة عشرة
بیست	عشرون

ایام هفته	
شنبه	يَوْمُ السَّبْتِ
یک شنبه	يَوْمُ الْأَحَدِ
دو شنبه	يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ
سه شنبه	يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ
چهار شنبه	يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ
پنج شنبه	يَوْمُ الْخَمِيسِ
جمعه	يَوْمُ الْجُمُعَةِ

اعداد ترتیبی	
دویست	مِئَتَيْنِ
سی صد	ثَلَاثَ مِئَةٍ
چهار صد	أَرْبَعَةَ مِئَةٍ
پانصد	خَمْسَةَ مِئَةٍ
شش صد	سِتَّةَ مِئَةٍ
هفت صد	سَبْعَةَ مِئَةٍ
هشت صد	ثَمَانِيَةَ مِئَةٍ
نه صد	تِسْعَةَ مِئَةٍ
هزار	أَلْفَ



عربفا



arabifa.com



utarabic

عزیزتین علیہ السلام

امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البته مخصوص شیعه نبود، سنی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.

من همین‌جا مناسب میدانم و لازم میدانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملتهای مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.

رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

۱۳۹۳/۱۰/۱۹

قال النبی حسین مومنان حسین